

تعیین شرایط اقتصادی مطلوب برای اعمال مالیات بر سود سپرده بانکی و تحلیل تطبیقی آنها با اقتصاد ایران

سیاوش جانی^۱

فرهاد خدادادکاشی^۲

فهمیه دنیابین^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۹/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۱۲

چکیده

بررسی نظری در خصوص مالیات بر سود سپرده بانکی نشان می‌دهد که اعمال این نوع مالیات به ساختار مالی و مالیاتی، سطح توسعه، اندازه دولت و ثبات اقتصادی کشورها بستگی دارد. بر این اساس الگویی به منظور تعیین شرایط لازم برای برقراری مالیات بر سود سپرده بانکی معرفی شد. نتایج حاصل از برآورد الگو بر اساس رویکرد دو مرحله‌ای حکمن نشان داد که احتمال برقراری مالیات بر سود سپرده در کشورهای بیشتری است که از درآمد سرانه و ثبات اقتصادی بالا برخوردار بوده و حجم نقدینگی در آنها پایین است. همچنین میزان نرخ مالیات سود سپرده با ثبات اقتصادی کشورهای مجری این مالیات رابطه مستقیم و با اندازه دولت و حجم نقدینگی آنها رابطه معکوس دارد. علاوه بر این نتایج دلالت بر آن داشت که میزان نرخ مالیات بر سود سپرده در کشورهایی بالاست که ساختار مالی آنها متمایل به بانک یا بازار نبوده و در حد وسط طیف مذکور قرار دارد. مقایسه تطبیقی این نتایج با شرایط اقتصاد ایران نشان داد شرایط لازم برای اعمال مالیات بر سود سپرده در ایران برقرار نیست، چرا که ایران از درآمد سرانه پایینی برخوردار بوده و از بی‌ثباتی اقتصادی رنج می‌برد. همچنین ساختار مالی در ایران، بانک محور می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: مالیات بر سود سپرده، تجربه جهانی، ثبات اقتصادی، ساختار مالی، اندازه دولت

۱. استادیار گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)، s.jani@pnu.ac.ir

۲. استاد گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور، khodadad@pnu.ac.ir

۳. کارشناس ارشد اقتصاد، donyabin@hotmail.com

۱- مقدمه

مالیات‌ها در اکثر کشورهای جهان مهمترین منبع درآمدی دولت‌ها می‌باشند. اما تأمین درآمد دولت تنها وظیفه مالیات‌ها نیست. از دیدگاه اقتصاد کلان مالیات به عنوان ابزار سیاست‌گذاری دولت‌ها محسوب می‌شود. دولت‌ها با برقراری مالیات در برخی موارد و همچنین اعمال معافیت مالیاتی در برخی زمینه‌ها سعی می‌کنند اهداف اقتصادی جوامع را محقق نمایند. در ایران نیز طی سالهای گذشته معافیت و مشوق‌های مالیاتی به منظور نیل به اهداف مدنظر دولت به بخش‌های مختلف اقتصادی اعطاء شده است. یکی از این موارد، سود سپرده‌های بانکی می‌باشد.

علی‌رغم اینکه معافیت مالیاتی در راستای تحقق برخی اهداف مدنظر قرار می‌گیرد، برقراری آن موجب کاهش درآمد دولت می‌شود. جبران کاهش درآمد مالیاتی ناشی از چنین معافیت‌هایی در اقتصاد ایران موجب وابستگی بیشتر بودجه دولت به درآمدهای نفتی شده و از این طریق اثرات زیان‌باری بر اقتصاد وارد می‌شود. به همین جهت در اسناد بالادستی از جمله برنامه پنجم توسعه، گسترش پایه‌های مالیاتی و تأمین هزینه‌های دولت از طریق درآمدهای مالیاتی و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی مورد تأکید قرار گرفته است.

اخذ مالیات از سود سپرده‌ها در برخی از کشورها به عنوان یک منبع درآمدی متداول است^۱، و بر این اساس به نظر می‌رسد که در ایران نیز اخذ مالیات از سود سپرده‌ها می‌تواند ضمن ایجاد یک منبع پایدار درآمدی برای دولت در راستای اجرای عدالت مالیاتی و حذف تبعیض‌های مربوط به آن مورد توجه قرار گیرد. اما استفاده از تجربیات جهانی بدون توجه به شرایط و ویژگی‌های کشورهای مجری و همچنین شرایط و ساختار جامعه مورد مطالعه، می‌تواند، صدمات جبران‌ناپذیری را در پی داشته باشد. لذا لازم است قبل از اتخاذ تصمیم در این خصوص به این سؤالات که شرایط و زمینه‌های لازم در اقتصاد برای اعمال مالیات بر سود سپرده چیست؟ و آیا اقتصاد ایران از چنین شرایطی برخوردار است یا نه؟ پاسخ داده شود. پاسخ به این سؤالات ضمن مشخص نمودن امکان اعمال مالیات سود سپرده در شرایط فعلی، این موضوع را نیز روشن می‌کند که تحت چه شرایطی اعمال مالیات بر سود سپرده در ایران مناسب خواهد بود.

برای پاسخ به سؤالات فوق در بخش بعدی مقاله، مبانی نظری مالیات بر سود سپرده مورد بررسی قرار گرفته و شرایط لازم برای اعمال مالیات مذکور مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در بخش سوم الگویی بر اساس مبانی نظری و به منظور بررسی تجربه جهانی معرفی و نتایج حاصل از آن در بخش چهارم تحلیل می‌شود. در بخش پنجم با مقایسه تطبیقی اقتصاد ایران و شرایط لازم برای اعمال مالیات بر سود سپرده، اعمال

۱. برای مطالعه بیشتر به مأخذ زیر مراجعه شود:

Stamm, R. (2014). Worldwide Tax Summaries Corporate Taxes, [https:// www.p.w.c.com/taxsummer](https://www.p.w.c.com/taxsummer).

مالیات مذکور در ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت بخش جمع بندی ارائه می‌شود.

۲- ادبیات موضوع

تحلیل در خصوص میزان دخالت دولت و در نتیجه ادبیات مربوط به مالیات به صورت منسجم به مکتب کلاسیک بر می‌گردد. اقتصاد دانان این گروه بر نقش محدود دولت اعتقاد داشته و لذا بر حداقل اخذ مالیات و بودجه متوازن تاکید می‌نمودند. اما پس از بحران ۱۹۲۹، نگرش‌ها به مخارج دولت و مالیات تغییر یافت و سیاست‌های مالیاتی به عنوان یکی از ابزارهای مهم در تثبیت و تعدیل نوسانات اقتصادی قلمداد گردید.

مروری بر تحلیل‌های کینزی نشان می‌دهد که در این تحلیل‌ها افزایش مالیات از طریق کاهش توان پس‌اندازکننده، موجب کاهش پس‌انداز می‌شود. به عبارتی در این نظریات ترغیب و تشویق پس‌انداز از طریق اخذ مالیات کمتر مورد توجه است. اما با گسترش نقش دولت در اقتصاد، توجه به کارکرد سیاست‌های مالیاتی تغییر و تکامل یافت و نظریه پردازان سیکل تجاری حقیقی و همچنین اقتصاددانان کینزی جدید با طرح این ایده که سیاست‌های مالیاتی در اثرگذاری بر تصمیمات عاملان اقتصادی و در تخصیص منابع مؤثرند، تاثیر مالیات‌ها در پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و سطح فعالیت‌های اقتصادی را مورد تأکید قرار دادند. به عبارتی تحلیل‌های اقتصادی پس از کینز به تدریج به تاثیر مالیات‌ها بر روی انگیزه عاملان اقتصادی متمرکز شدند. بر این اساس مشوق‌های مالیاتی به عنوان یکی از راهکارهای مهم برای تقویت انگیزه پس‌انداز، در بسیاری از مواقع مورد توجه قرار گرفت. (طیب نیا و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۷۴)

از مباحث مهم در اثرگذاری سیاست تشویق و تخفیف مالیاتی، انتخاب بین نظام مالیات بر درآمد و مالیات بر مخارج است که در اثرگذاری بر پس‌انداز و در نتیجه سرمایه‌گذاری مهم می‌باشد. در اخذ مالیات بر درآمد این استدلال وجود دارد که در این شیوه، دو بار از پس‌انداز مالیات اخذ می‌شود. یک بار هنگام کسب درآمد حاصل از کار و بار دوم به هنگام اخذ مالیات از درآمد پس‌انداز. با اخذ مالیات از درآمد پس‌انداز، نرخ بازدهی مربوط به پس‌انداز کاسته شده و موجب شکاف بین نرخ زمانی جانشینی مصرف و نرخ بازده سرمایه‌گذاری می‌گردد که خود سبب زیان‌کاری است. (کینگ، ۱۹۸۰: ۸)

این خصوص بررسی‌های بوسکین و سامرز نشان می‌دهند که مالیات بر درآمد پس‌انداز دارای زیان رفاهی قابل توجهی است. همچنین رمزی بیان می‌کند به منظور افزایش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری باید از درآمد حاصل از پس‌انداز با نرخ کمتری نسبت به درآمد نیروی کار مالیات اخذ شود. (طیب نیا و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۸۰)

علاوه بر زیان کارایی قابل توجه مالیات بر عایدی پس‌انداز، توجه به این موضوع نیز حائز اهمیت است که خانوارها پس‌انداز خود را در قالب انواع دارایی نگهداری می‌کنند و مالیات بر عایدی هر کدام از دارایی‌ها، ترکیب سبد دارایی خانوار را تغییر می‌دهد. در این خصوص سندمو (۱۹۸۵) بیان می‌کند از آنجا که مالیات بر عایدی یک دارایی، ارزش‌های انتظاری آتی حاصل از سایر دارایی‌ها و ریسک آنها را تغییر می‌دهد با وضع مالیات بر عایدی برخی از دارایی‌ها، خانوارها به منظور کاهش ریسک کل و حفظ ارزشهای آتی، ترکیب سبد دارایی خود را تغییر می‌دهند (سندمو، ۱۹۸۵: ۲۷۵). در این خصوص کمینال بیان می‌کند که مالیات بر سپرده موجب افزایش هزینه فرصت سپرده و کاهش درآمد سپرده گذار است که در نهایت منجر به کاهش عرضه سپرده می‌شود (کمینال، ۲۰۰۲: ۱۳). براین اساس به نظر می‌رسد با برقراری مالیات بر سود سپرده‌های بانکی، خانوارها سعی می‌کنند با تغییر در ترکیب سبد دارایی از کاهش عایدی حاصل از دارایی‌های خود جلوگیری نمایند که حاصل آن از یک طرف کاهش میزان سپرده بانکی در سبد دارایی خانوار و از سویی افزایش جریان نقدینگی به سمت سایر بازارهاست که ممکن است بی‌ثباتی اقتصادی را به همراه داشته باشد. ضمن اینکه با کاهش حجم سپرده، هزینه تسهیلات بانکی افزایش و حجم آن کاهش می‌یابد که در نظام‌های مالی بانک محور، موجب افزایش هزینه سرمایه‌گذاری و کاهش میزان آن می‌گردد و از این طریق بر رشد اقتصادی تاثیر منفی خواهد داشت. به منظور بررسی تأثیر مالیات عایدی پس‌انداز بر ترکیب سبد دارایی، مسن (۱۹۶۸) و استیگلیتز (۱۹۶۹) یک چارچوب مطلوبیت انتظاری را در قالب یک الگو در دو سناریو معرفی نمودند. در سناریوی اول یک دارایی بدون ریسک و بازده (پول) و یک دارایی با ریسک و بازده وجود دارد و درآمدهای دارایی ریسکی دارای توزیع پیوسته در دامنه $(-\infty, 1)$ می‌باشد. در سناریوی دوم آنها مالیات بر عایدی پول را نیز در نظر می‌گیرند و به این ترتیب مالیات بر سود سپرده را در الگوی خود وارد می‌نمایند. سناریوی اول آنها نشان می‌دهد که با افزایش نرخ مالیات بر دارایی ریسکی، زمانیکه به پول (دارایی بدون ریسک) بازدهی تعلق نگیرد، سرمایه‌گذاران به افزایش دارایی ریسکی در سبد دارایی‌ها روی می‌آورند چرا که سرمایه‌گذاران به دنبال حفظ ارزش مورد انتظار سود خود هستند و با افزایش مالیات، ارزش مورد انتظار آنها از دارایی ریسکی کاهش می‌یابد و لذا برای جلوگیری از کاهش ارزش دارایی، آنها اقدام به نگهداری دارایی ریسکی بیشتر می‌نمایند. اما در سناریوی دوم نتایج بررسی آنها نشان می‌دهد که با معرفی مالیات بر سود سپرده، افزایش نرخ مالیات‌ها منجر کاهش تقاضا برای دارایی ریسکی می‌شود به عبارتی با معرفی مالیات بر سود سپرده، نقدینگی از بازارهای بی‌ثبات به سمت بانک جریان می‌یابد و

منجر به ثبات بیشتر در اقتصاد می‌گردد^۱.

یافته‌های مسن و استیگلitz در تضاد با نتایج برخی مطالعات از جمله بررسی صورت گرفته توسط ائرباخ (۱۹۸۱) و توروسکو و کوک اسلانو (۲۰۱۴) می‌باشد. ائرباخ با در نظر گرفتن ترکیبی از دارایی‌ها و مفروضاتی در خصوص ترجیحات افراد نشان می‌دهد که اولاً، نرخ‌های مالیات بر عایدی انواع دارایی‌ها باید متفاوت باشد. ثانیاً، از بازده دارایی‌های با ریسک بیشتر، مالیات بیشتری اخذ شود (ائرباخ، ۱۹۸۱). همچنین توروسکو و کوک اسلانو به منظور ایجاد ثبات در بازارهای مالی، مالیات بر همه بخش‌های مالی را مورد تأکید قرار می‌دهند (توروسکو و کوک اسلانو، ۲۰۱۴). در صورتی که نتایج مطالعه استیگلitz بر اخذ مالیات بیشتر از دارایی‌ها با ریسک کمتر از جمله سپرده‌ها تأکید دارد. به عبارتی نتایج مسن و استیگلitz با این استدلال که اخذ مالیات از سود سپرده در شرایط بی ثبات اقتصادی موجب خروج منابع مالی از بانکها و سرمایه‌گذاری آنها در بخش‌های غیر مولد اقتصادی خواهد شد، سازگار نیست. فرض مهمی که در مطالعه مسن و استیگلitz وجود دارد جبران زیان سرمایه‌گذار توسط جامعه است که در شکل تابع توزیع احتمال بازده دارایی مستتر می‌باشد. اگر چنین فرضی وجود نداشته باشد و نرخ مالیات بر عایدی دارایی نیز بالا باشد، این احتمال زیاد است که تقاضا برای دارایی ریسکی کاهش یابد. در این خصوص آنها نتیجه می‌گیرند که بدون توجه به محدودیت‌ها و فروض تابع مطلوبیت، مالیات بر عایدی دارایی‌های ریسکی به تنهایی نمی‌تواند تعیین‌کننده میزان تقاضا برای دارایی‌های مذکور باشد. سندمو (۱۹۷۷) مدل مذکور را به حالتی که در آن چند دارایی ریسکی وجود دارد، گسترش می‌دهد و بدون هیچ فرضی در خصوص تابع توزیع احتمال مشترک بازده دارایی‌ها، نتایج مسن و استیگلitz را مورد تأیید قرار می‌دهد (سندمو، ۱۹۷۷: ۲۹۷).

۱. در سناریوی اول مدل مسن و استیگلitz فرض شده که افراد ثروت اولیه خود را بین دو دارایی، یکی پول (M) که بازدهی ندارد و دیگری دارایی ریسکی (a) که دارای بازده X می‌باشد، سرمایه‌گذاری می‌کنند. در این صورت بهینه‌سازی تابع مطلوبیت نسبت به محدودیت بودجه با فرض رابطه زیر بدست می‌آید.

$$\frac{\partial a}{\partial t} \cdot \frac{t}{a} = \frac{t}{t-1}$$

در سناریوی دوم مسن و استیگلitz فرض می‌کنند که پول نیز به صورت سپرده نگهداری شود و به آن سود (r) تعلق گیرد و به این ترتیب مالیات بر سود سپرده (t) را در مدل معرفی می‌کنند. در این صورت بهینه‌سازی مطلوبیت خانوار نسبت به محدودیت بودجه رابطه زیر را ارائه می‌کند.

$$\frac{\partial a}{\partial t} \cdot \frac{t}{a} = \frac{tr}{1+r(1-t)} \left(\frac{\partial a}{\partial A} \cdot \frac{A}{a} \right) + \frac{t}{1-t}$$

که نشان می‌دهد با معرفی مالیات بر بازدهی پول کشش دارایی ریسکی نسبت به مالیات کاهش یافته است و به این ترتیب با معرفی مالیات سود سپرده تقاضای افراد برای دارایی‌های ریسکی کاهش می‌یابد.

در این میان مطالعاتی که به بحث مالیات بهینه می‌پردازند، به عدم اخذ مالیات از بانک تأکید دارند چرا که بانک خدمات واسطه‌ای را ارائه می‌نماید و با کل سیستم اقتصادی در ارتباط می‌باشد و اخذ مالیات در آن موجب آشفتگی بیشتر در کل اقتصاد می‌گردد (کومولو، ۲۰۱۵: ۷۷). به عبارتی اعمال مالیات بر سود سپرده موجب می‌شود منابع از بانک‌ها به سمت سایر بازارهای مالی جریان یافته و در صورت عدم وجود شرایط لازم برای ورود این منابع به بخش تولید، بی‌ثباتی در اقتصاد بیشتر می‌شود. از طرفی نظام‌های مالی بازار محور نیز ممکن است تمایلی به برقراری مالیات بر سود سپرده نداشته باشند چرا که به دلیل حجم پایین سپرده‌ها در چنین نظامی، درآمد حاصل از مالیات سود سپرده پایین است و با اعمال مالیات بر سود سپرده، نقش حداقلی بانک در بازار مالی که برای تأمین مالی برخی از پروژه‌ها ضروری است، تضعیف می‌شود.

با عنایت به مراتب فوق می‌توان گفت مطالعات انجام شده در خصوص مالیات بر عایدی حاصل از پس‌انداز، نتایج واحدی را ارائه نمی‌کنند. در این خصوص سند مو با مرور مطالعات مشابه به این نتیجه می‌رسد که بخاطر تفاوت در قوانین مالیاتی، خاص بودن شرایط و ساختار حاکم بر بازارهای مالی هر کشور، ارائه قاعده مشخص برای نرخ مالیات بر بازده انواع دارایی دشوار است و سیاست‌های مالیاتی در خصوص مالیات بر عایدی پس‌انداز باید براساس نهادها و سطح توسعه کشور، ساختار بازار مالی و پولی و همچنین سیستم مالیاتی متناسب با هر کشور طراحی و اجرا شود. فلدشتاین (۱۹۷۶) نیز با بررسی داده‌های ایالات متحده نتایج مشابهی را ارائه می‌کند. وی در این زمینه ساختار بازار مالی، نظام مدیریت و ساختار مالیاتی را مورد تأکید قرار می‌دهد. مطالعه کمینال (۲۰۰۲) نیز در خصوص تأثیر مالیات سود سپرده بر حجم سپرده حاکی از آن است که تاثیر این مالیات بر حجم سپرده، به عوامل زیادی از جمله میزان توسعه بازارهای مالی، وجود ابزارهای مالی کارا، رقابتی بودن بانکها، درجه ریسک محیط سرمایه‌گذاری و ساختار نظام مالیاتی بستگی دارد.

۳- معرفی الگو

چنانچه در مبانی نظری بیان شد در برقراری مالیات بر سود سپرده، ثبات اقتصادی و ریسک محیط سرمایه‌گذاری، ساختار نظام مالی و مالیاتی و همچنین نظام مدیریت کشور می‌تواند نقش تعیین‌کننده داشته باشد. در این قسمت سعی می‌شود نقش هر کدام از این ویژگی‌ها در اعمال مالیات بر سود سپرده براساس مطالب بیان شده در مبانی نظری مورد تحلیل قرار گرفته و شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری هر کدام از آنها معرفی شود.

براساس تحلیل‌های انجام شده در مبنای نظری، از موارد مهم در اعمال مالیات بر سود سپرده، ثبات اقتصادی و ریسک محیط اقتصادی کشورهاست. همانطور که بیان شد از نظر مسن و استیگلیتز، اعمال مالیات بر سود سپرده به بی‌ثباتی اقتصاد منجر نمی‌شود. اما براساس نظر اُرباخ، توروسکو، کوک اسلانو و همچنین کومولو با اعمال این نوع مالیات در اقتصاد منابع از بانک‌ها به سمت سایر بازارهای مالی جریان یافته و در صورت عدم وجود شرایط لازم برای ورود این منابع به بخش تولید، بی‌ثباتی در اقتصاد بیشتر می‌شود. به همین منظور در این مطالعه علاوه بر انحراف معیار نرخ تورم که به عنوان شاخص بی‌ثباتی اقتصادی برای کشورها در اغلب مطالعات معرفی می‌گردد، از نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی کشورها نیز به عنوان شاخص بالقوه برای بی‌ثباتی در بخش مالی اقتصاد استفاده شد.

علاوه بر ثبات اقتصادی، ساختار نظام مالی کشورها براساس تحلیل‌های انجام شده در مبنای نظری از دیگر عوامل مؤثر در اعمال مالیات بر سود سپرده است. اینکه نظام مالی بانک محور باشد و یا بازار محور، در تصمیم سیاست‌گذاران به منظور مدیریت منابع نقش مهمی دارد و لذا تعیین‌کننده سیاست‌های مالیاتی به ویژه سیاست مالیات بر سود سپرده خواهد بود. در این خصوص همانطور که در مبنای بیان شد گرایش به برقراری مالیات بر سود سپرده در نظام‌های مالی که در حد وسط نظام مالی بانک محور و بازار محور هستند، بیشتر است. به عبارتی رابطه بین متغیر نظام مالی و مالیات بر سود سپرده یک رابطه غیر خطی است.

به منظور بررسی تأثیر نظام مالی در برقراری مالیات بر سود سپرده، در این مطالعه از نسبت متوسط شاخص درجه فعالیت بازار سرمایه به متوسط درجه فعالیت بانک به عنوان شاخص نظام مالی استفاده شده است. این شاخص در بسیاری از مطالعات تجربی از جمله مطالعه لوین (۲۰۰۲) مورد استفاده قرار گرفته است. در این شاخص، درجه فعالیت بازار از تقسیم ارزش معاملات بازار سرمایه به تولید ناخالص داخلی و درجه فعالیت بانک از نسبت تسهیلات ارائه شده به بخش خصوصی بر تولید ناخالص داخلی کشورها بدست آمده است. هرچه رقم شاخص بزرگتر باشد، نشان دهنده این است که در نظام مالی، نقش بازار در تامین مالی بیشتر از بانک می‌باشد.

علاوه بر موارد فوق، براساس تحلیل‌های سندمو، فلدشتاین و کمینال که در مبنای نظری به آنها اشاره شد نظام مدیریت کشور، ساختار مالیاتی و همچنین کارایی دولت در اعمال مالیات بر سود سپرده مؤثر هستند. در این خصوص با عنایت به اینکه مالیات‌ها علاوه بر نقش درآمدی، ابزار سیاستگذاری دولت‌ها نیز محسوب می‌شوند و براساس نتایج بسیاری از بررسی‌ها از جمله مطالعه آنفونسو و تاور جالس (۲۰۱۱)

افزایش اندازه دولت، کارایی را کاهش می‌دهد، چنین استنباط می‌شود که دولت‌های با اندازه بزرگتر به دنبال ابزارهای سیاستی کارآمدتر بوده و از اعمال مالیات‌هایی همانند مالیات سود سپرده که دارای زیان کارایی بالایی باشد، امتناع می‌کنند.

در نهایت از موارد مهم و مؤثر در تصمیم به اتخاذ هر نوع مالیاتی از جمله مالیات بر سود سپرده سطح توسعه جوامع می‌باشد که در برخی بررسی‌ها از جمله مطالعه سندمو به اهمیت آن اشاره شده است. در کشورهای برخوردار از سطح توسعه بالا، سیستم مالیاتی توان اخذ مالیات بر سود سپرده را با حداقل زیان برای دولت فراهم می‌نماید. در ارتباط با درجه توسعه یافتگی کشورها در این مطالعه از شاخص درآمد سرانه به قیمت ثابت ۲۰۱۰ استفاده شده است.

با عنایت به مبانی نظری و مطالعات انجام یافته الگوی زیر برای بررسی شرایط لازم برای اعمال مالیات سود سپرده در نظر گرفته می‌شود.

$$TS_i = f(NI_i, SINFI_i, M_i, FIN_i, EX_i, TGDP_i, EXMT_i) \quad (1)$$

که در i بیانگر کشورها بوده و $TS, NI, SINFI, M, FIN, EX, TGDP, EXMT$ به ترتیب به نرخ مالیات بر سود سپرده، درآمد سرانه کشورها به قیمت ثابت سال ۲۰۱۰، انحراف معیار نرخ تورم، نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی، شاخص درجه فعالیت بازار به بانک، نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی، نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی و مازاد مخارج عمومی دولت نسبت به مالیات‌ها (مخارج دولت منهای مالیات) بر تولید ناخالص داخلی می‌باشد.

۳-۱- بررسی متغیرهای الگو در کشورهای مجری مالیات بر سود سپرده و سایر کشورها

در جدول (۱) نرخ مالیات سود سپرده و شاخص‌های معرفی شده در قسمت قبل برای برخی از کشورهای جهان که در آنها به طور مشخص مالیات بر سود سپرده اعمال شده و یا معافیت مالیات بر سود سپرده‌ها در آنها برقرار است، ارائه شده است.

در این جدول کشورها به ترتیب نرخ مالیات بر سود سپرده‌ها بر اساس بیشترین نرخ به کمترین نرخ مرتب شده‌اند. همانطور که ملاحظه می‌شود در کشور ایرلند، مالیات بر سود سپرده با بیشترین نرخ مالیاتی (۴۱ درصد) اعمال می‌شود و در بسیاری از کشورها از جمله روسیه و چین سود سپرده‌ها معاف از مالیات است. همانطور که بیان شد یکی از عوامل مؤثر در اعمال مالیات بر سود سپرده، سطح توسعه کشورها است که در این مطالعه از درآمد سرانه سال ۲۰۱۴ کشورها به قیمت ثابت ۲۰۱۰ استفاده شده

است. براساس مبانی نظری با ارتقاء سطح توسعه کشورها، سیستم مالیاتی تقویت شده و امکان برقراری مالیات بر سود سپرده افزایش می یابد. در جدول (۲) درآمد سرانه برای هر دو گروه از کشورها (کشورهای مجری مالیات بر سود سپرده و کشورهایی که سود در آنها معاف از مالیات است) ارائه شده است. چنانچه از جدول (۱) قابل ملاحظه است متوسط درآمد سرانه برای کشورهای مجری مالیات به طور قابل توجه بیش از کشورهای است که سود سپرده در آنها معاف از مالیات است که سازگار با دلالت های تئوریک است.

جدول (۱) - مقایسه وضعیت مالیات بر سود سپرده و شاخص اقتصادی در کشورهای مورد بررسی

کشور	نرخ مالیات بر سود سپرده	درآمد سرانه (\$)	درجه فعالیت بازار سرمایه به بانک	انحراف معیار نرخ تورم	نسبت نقدینگی به GDP (%)	نسبت مخارج دولت به GDP (%)	نسبت درآمد مالیاتی به GDP (%)
ایرلند	۴۱	۴۴۸۷۸	۰/۱۳	۳	-	۳۵	۲۲
استرالیا	۲۵	۵۲۷۶۹	۰/۸	۱/۸	۹۰	۲۶	۲۰
پرتغال	۲۵	۲۱۱۶۴	۰/۱۶	۱/۳	-	۴۲	۲۱
اتریش	۰/۲۵	۴۷۷۸۱	۰/۱۱	۰/۲۹	-	۴۶	۲۱
انگلستان	۲۰	۴۰۰۸۵	۰/۹۷	۰/۷	۱۳۸	۳۸	۲۷
ایسلند	۲۰	۳۴۹۴۰	۰/۴۵	۳/۳	۷۸	۳۲	۲۲
اندونزی	۲۰	۳۵۸۱	۰/۵۲	۵/۱	۴۲	۱۶	۱۲
اسلواکی	۱۹/۳۵	۱۷۶۶۶	۰/۰۲	۲/۸	۵۹	۱۸	۱۳
سنگال	۱۸	۹۹۷	۰	۲/۲	۳۶	۱۶	۱۹
کامرون	۱۶/۵	۱۲۵۲	۰	۲/۴	۱۹	۲۳	۱۱
رواندا	۱۵	۶۴۷	۰	۶/۶	۱۷	۱۵	۱۳
ژاپن	۱۵	۴۸۱۶۸	۰/۴۵	۰/۵	۲۱۹	۱۷	۱۰
هندوستان	۱۵	۱۶۲۴	۱/۴۹	۲	۷۰	۱۶	۹
ترکیه	۱۴	۱۱۱۳۳	۱/۳۳	۱۶/۸	۴۸	۳۵	۲۰
فیلیپین	۱۴	۳۰۶۶	۰/۲۹	۱/۶	۶۱	۱۵	۱۲

۲۱	۳۶	-	۱/۲	۱/۴۹	۴۵۶۵۲	۱۲/۵	فنلاند
۱۴	۱۴	۳۲	۲/۹	۰	۱۷۳۵	۱۰	نیکاراگوئه
-	۴۰	۵۲	۹/۹	۳/۳۶	۲۱۵۰۱	۵	عربستان
۱۹	۲۸	۴۷	۳/۹	۰	۱۳۳۵۹	۴	اروگوئه
۱۷	۲۷	۶۷	۳/۶	۰/۶۱	۲۱۶۸۴	۱۶	متوسط
۱۲	۲۱	۲۲	۱۱/۶	۰	۵۹۳۳	۰	آذربایجان
۲۵	۴۲	-	۰/۳	۰/۳۲	۴۴۸۲۱	۰	بلژیک
۲۱	۳۷	۴۹	۷/۲	۰	۴۶۸۶	۰	بوسنی
۱۹	۳۶	۶۵	۱/۴	۰/۰۴	۱۳۲۶۴	۰	کرواسی
۱۸	۴۲	۷۹	۲/۴	۰/۰۴	۲۳۲۳۶	۰	اسلونی
۲۶	۵۱	۱۶۸	۱/۹	۰/۰۷	۲۵۹۹۱	۰	قبرس
۱۳	۲۶	۴۴	۱/۹	۰/۰۱	۳۶۱۰	۰	السالوادور
۱۳	۱۹	۲۹۵	۳	۲/۳	۳۶۳۹۸	۰	هنگ کنگ
۱۷	۳۰	۴۵	۲/۶	۰/۰۵	۴۸۲۷	۰	مقدونیه
۱۵	۱۹	۱۳۲	۴/۴	۰/۳۷	۱۰۱۵۹	۰	مالزی
۱۱	۲۹	۱۶۴	۲/۹	۰/۷۱	۴۵۴۱	۰	چین
۱۵	۲۴	۴۲	۸/۲	۱/۰۱	۱۱۱۱۲	۰	روسیه
۲۲	۲۵	۶۳	۲/۶	۰	۳۵۳۹	۰	فی جی
۲۱	۴۸	-	۱/۸	۰/۲۹	۲۲۵۳۰	۰	یونان
۱۳	۴۳	۳۸	۶/۴	۰/۰۱	۱۳۸۱۴	۰	لاتویا
۱۸	۲۶	۴۶	۴	۰/۰۵	۵۴۸۳	۰	مولداوی
۱۹	۳۰	۶۲	۲/۷۶	۰/۰۵	۷۳۳۵	۰	بلغارستان
۱۸	۳۲	۸۸	۳/۸	۰/۳۱	۱۴۱۸۷	۰	متوسط

منبع: بانک جهانی <https://www.p.w.c.com/taxsummer>

در جدول (۱) شاخص نظام مالی کشورها در کنار متوسط نرخ مالیات بر سود سپرده کشورها ارائه

شده است. همانطور که قبلاً بیان شد هر چه رقم شاخص بزرگتر باشد، نشان دهنده این است که در نظام مالی، نقش بازار در تامین مالی بیشتر از بانک می باشد. چنانچه ملاحظه می شود شاخص نظام مالی برای کشورهای مجری مالیات دو برابر رقم این شاخص برای کشورهایی است که سود سپرده در آنها معاف از مالیات است که نشان می دهد تأمین مالی در کشورهای مجری مالیات در مقایسه با کشورهای دیگر بیشتر از طریق بازار سرمایه صورت می گیرد اما در کشورهایی که سود سپرده در آنها معاف از مالیات است، نظام مالی، بانک محور می باشند که مطابق با تئوری است.

در جدول (۱) انحراف معیار نرخ تورم برای دوره (۲۰۱۴-۲۰۰۰) که به عنوان شاخص بی ثباتی اقتصادی معرفی شده، برای هر دو گروه از کشورها محاسبه شده است. چنانچه ملاحظه می شود رقم این شاخص با اختلاف ناچیزی برای کشورهای مجری مالیات کمتر از رقم شاخص برای کشورهایی است که در آنها سود سپرده معاف از مالیات است. همانطور که در قسمت قبل بیان شد نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی نیز به عنوان شاخص بالقوه برای بی ثباتی اقتصادی در نظر گرفته شده است. مقایسه متوسط شاخص مذکور برای هر دو گروه از کشورها حاکی از پایین بودن رقم این شاخص برای کشورهای مجری مالیات سود سپرده در مقایسه با سایر کشورهاست.

متوسط نسبت مخارج عمومی دولت به تولید ناخالص داخلی طی دوره (۲۰۱۴-۲۰۰۰) که اندازه دولت را نشان می دهد برای هر دو گروه از کشورها در جدول (۱) محاسبه شده و همانطور که ملاحظه می شود متوسط این رقم برای گروه کشورهای مجری مالیات پایین تر از سایر کشورهاست. همچنین متوسط نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی با کمی اختلاف برای کشورهای مجری مالیات سود سپرده بالاتر می باشد.

۴- برآورد الگو و تجزیه و تحلیل نتایج

۴-۱- روش برآورد الگو

به منظور برآورد مدل معرفی شده در قسمت قبل توجه به این امر ضروری است که در برخی از کشورهای مورد بررسی، سود سپرده معاف از مالیات بوده که به معنی صفر شدن متغیر وابسته در این مشاهدات است و بدون در نظر گرفتن این موضوع وجود دو نوع خطا در برآورد مدل محتمل است. خطای اول ناشی از غیرتصادفی بودن نمونه‌ها و خطای دوم مربوط به یکسان فرض نمودن عوامل مؤثر بر احتمال اعمال مالیات و عوامل مؤثر بر نرخ مالیات است. انتخاب غیرتصادفی نمونه به این معناست که نمونه آماری تنها شامل کشورهایی می شود که مالیات بر سود سپرده در آنها اعمال شده و سایر کشورها از نمونه حذف می شوند. مفهوم خطای دوم نیز این است که عواملی که بر احتمال اعمال مالیات تأثیر می گذارند با عواملی که نرخ مالیات را تعیین می کنند لزوماً یکسان نیستند، بلکه می توانند دو مجموعه

متفاوت از متغیرها باشند. به منظور رفع این مشکل در این مطالعه از الگوی توبیت و روش دو مرحله هکمن استفاده شد.

الگوی توبیت با بهره‌گیری از هر دو گروه (کشورهای مجری مالیات بر سود سپرده و کشورهای که در آنها سود سپرده معاف از مالیات است) خطای نوع اول یا غیر تصادفی بودن نمونه را برطرف می‌نماید. اما احتمال بروز خطای نوع دوم همچنان به قوت خود باقی است. هکمن یک روش دو مرحله‌ای برای برآورد الگوی توبیت و به منظور رفع مشکل دوم پیشنهاد نموده است. در روش هکمن برای تعیین عوامل مؤثر در هر یک از دو گروه، الگوی توبیت به دو الگوی پروبیت و الگوی رگرسیون خطی شکسته می‌شود. عواملی که می‌توانند بر احتمال اعمال مالیات تأثیرگذار باشند به صورت متغیرهای مستقل در الگوی پروبیت وارد می‌شوند و عواملی که می‌توانند بر نرخ مالیات بر سود سپرده مؤثر باشند در مجموعه متغیرهای مستقل رگرسیون خطی قرار می‌گیرند. متغیر وابسته در الگوی پروبیت شامل یک متغیر دوجمله‌ای با مقادیر یک و صفر می‌باشد. یعنی متغیر وابسته برداری از صفر و یک است که در آن عدد یک به معنی اعمال مالیات بر سود سپرده و صفر به مفهوم معافیت سود سپرده از مالیات می‌باشد. الگوهای پروبیت و رگرسیون خطی حاصل از تفکیک الگوی توبیت به صورت زیر نشان داده می‌شود:

$$Tsl_i = \beta w_i + \varepsilon_i \quad \text{probit} \dots \dots (2)$$

$$Tsl_i = 1 \dots \dots \text{if} \dots \dots Ts_i^* > 0$$

$$Tsl_i = 0 \dots \dots \text{if} \dots \dots Ts_i^* \leq 0$$

$$TS_i = \beta x_i + \alpha \lambda_i + e_i \quad \text{ols} \dots \dots (3)$$

در الگوی فوق β و α ضرایب متغیرهای توضیحی و λ عکس نسبت میلز^۱ است. عکس نسبت میلز از ضرایب برآورد شده مدل پروبیت برای $TS > 0$ و از طریق رابطه $\lambda_i = \frac{\phi(\beta' \omega_i)}{\Phi(\beta' \omega_i)}$ بدست می‌آید که در آن تابع چگالی احتمال و $\Phi(\beta' \omega_i)$ تابع توزیع تجمعی جمله تصادفی می‌باشد (هکمن، ۱۹۷۹: ۱۵۵). این نسبت به صورت متغیر توضیحی وارد مدل (۳) می‌شود. حضور متغیر عکس نسبت میلز در الگوی رگرسیون خطی (۳)، وجود واریانس ناهمسانی الگو را رفع می‌کند و استفاده از برآورد کننده حداقل مربعات را برای الگوی (۳) بلامانع می‌نماید. برای برآورد الگوی پروبیت از روش حداکثرسازی تابع راستنمایی استفاده می‌شود و احتمال

1. Inverse Mills Ratio

انتخاب گزینه یک در مقابل گزینه صفر از طریق رابطه زیر محاسبه می‌شود (گرین، ۱۹۹۳).

$$p_i = \text{prob}[z_i = 1] = \int_{-\infty}^{\beta\omega} \frac{1}{\sqrt{2\pi}} \exp\left(-\frac{t^2}{2}\right) dt \quad (4)$$

همچنین از آنجا که ضرایب برآورد شده (β) در الگوی پروبیت جهت اثرگذاری متغیرها بر احتمال برقراری مالیات بر سود سپرده را نشان می‌دهند، لذا از اثرات نهایی تأثیر متغیرهای مذکور بر احتمال برقراری مالیات استفاده می‌شود. اثرات نهایی تغییر در احتمال اعمال مالیات بر اثر تغییر یک واحدی در متغیر مستقل بوده و از طریق رابطه زیر حاصل می‌شود (فرزین معتمد و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۶).

$$ME = \frac{\partial p_i}{\partial w_{ik}} = \phi(B'w_i)B_k \quad (5)$$

۲-۴- برآورد الگو

برای برآورد مدل معرفی شده در قسمت قبل (معادله ۱) از رویکرد دو مرحله‌ای هکمن و از اطلاعات کشورهای اشاره شده در جدول (۱) استفاده شد. نتایج حاصل از مرحله اول رویکرد هکمن که مربوط به مدل پروبیت است و عوامل مؤثر بر احتمال برقراری مالیات بر سود سپرده را بررسی می‌کند، در جدول (۲) ارائه شده است. براساس ارقام حاصل شده برای پارامترها از جمله نسبت راستنمایی، مدل معنی‌دار بوده و نتایج آن معتبر می‌باشد. لازم به ذکر است که ضرایب برآورد شده برای متغیرهای مدل در رویکرد پروبیت، فقط جهت تغییرات را نشان می‌دهد و تفسیر ضرایب براساس رویکرد پروبیت چندان قابل اعتماد نیست. به همین دلیل اثرات نهایی تأثیر متغیرها بر متغیر وابسته در ستون آخر جدول ارائه شده است.

بر اساس نتایج جدول (۲) ضرایب برآورد شده برای تمامی متغیرهای توضیحی معنی‌دار بوده و نشان می‌دهند که با افزایش درآمد، احتمال اعمال مالیات بر سود سپرده بانکی در کشورها افزایش می‌یابد، اما با افزایش نقدینگی، نوسانات نرخ تورم و مازاد مخارج دولت نسبت به مالیات‌ها، احتمال برقراری مالیات بر سود سپرده در کشورها کاهش می‌یابد. این نتایج نشان می‌دهند مالیات بر سود سپرده معمولاً در کشورهایی برقرار می‌شود که از سطح توسعه مناسب و ثبات نسبی بالا در اقتصاد برخوردار هستند. همچنین در کشورهایی که دولت درآمدی به غیر از درآمدهای مالیاتی داشته، تمایلی به اعمال این نوع مالیات ندارند.

جدول (۲) - نتایج حاصل از برآورد مدل پروبیت (مرحله اول روش همکن)

اثرات نهایی	مدل پروبیت		نام متغیر
	آماره T	ضرایب برآورد شده	
	۲/۶۴	۶/۱	عرض از مبدا
۰/۰۰۰۱	۲/۶	۰/۰۰۰۳	درآمد سرانه
-۰/۰۱۷	-۲/۳	-۰/۰۴۶	نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی
-۰/۰۷	-۱/۸۷	-۰/۱۹	انحراف معیار نرخ تورم
-۰/۱۷	-۲/۷	-۰/۴۵	مازاد مخارج دولت نسبت به مالیات بر تولید ناخالص داخلی
	-۶/۹۶		لگاریتم احتمال
	۲۶/۲		آزمون نسبت راستنمایی - کای دو
	٪۶۶		Pseudo R ²
	۰/۰۰۰		Prob

منبع: محاسبات تحقیق

نتایج حاصل از الگوی پروبیت، احتمال اعمال مالیات در کشورها را مورد بررسی قرار می‌دهد. اما در خصوص اینکه میزان و نرخ مالیات بر سود سپرده در کشورهای مجری این نوع مالیات به کدام عوامل بستگی دارد، توضیحی ارائه نمی‌کند. در این خصوص مرحله دوم روش همکن برآورد و نتایج آن در جدول (۳) ارائه شده است. با عنایت به نتایج آزمون والد، نتایج تخمین مرحله دوم از اعتبار لازم برخوردار بوده و با عنایت به ارقام آماره T متغیرهای توضیحی ارائه شده در مدل معنی دار هستند. براساس نتایج جدول (۳) با افزایش نقدینگی، تورم و مخارج دولت از میزان نرخ مالیات بر سود سپرده کاسته می‌شود. اما درآمد سرانه و شاخص ساختار مالی رابطه U معکوس با میزان نرخ مالیات بر سود سپرده دارند.

رابطه U معکوس برای شاخص ساختار مالی به این معنی که با افزایش درجه فعالیت بازار سرمایه نسبت به بانک، ابتدا نرخ مالیات سود سپرده، افزایش و سپس کاهش می‌یابد. رابطه U معکوس بین نرخ مالیات

بر سود سپرده و شاخص درجه فعالیت مالی نشان می‌دهد نرخ مالیات بر سود سپرده در کشورهایی که ساختار مالی آنها متمایل به بانک یا بازار نبوده و در حد و وسط طیف مذکور قرار دارند، بیشتر است. بهینه سازی الگوی برآورد شده نسبت به شاخص مالی (fin) نشان می‌دهد که با فرض ثابت بودن سایر عوامل، موقعی که رقم شاخص ساختار مالی برابر با یک است، نرخ مالیات بر سود سپرده حداکثر می‌شود. این در حالی است که متوسط این شاخص برای کشورهای مجری مالیات بر سود سپرده (۰/۶۱) و برای کشورهای که سود سپرده در آنها معاف از مالیات است ۰/۳۱ می‌باشد. همچنین بررسی نقطه بهینه براساس رابطه U معکوس برای درآمد سرانه نشان می‌دهد که با فرض ثابت بودن سایر عوامل، حداکثر نرخ مالیات بر سود سپرده زمانی اعمال شود که درآمد سرانه ۳۶۰۰۰ دلار باشد. این در حالی است که متوسط درآمد سرانه برای کشورهای مجری مالیات بر سود سپرده ۲۱۰۰۰ دلار و برای سایر کشورها ۱۴۰۰۰ دلار است.

جدول (۳) - نتایج رگرسیون خطی (مرحله دوم روش همکن)

نام متغیر	ضرایب برآورد شده	آماره T
عرض از مبدا	۲۹/۷	۷/۲
درآمد سرانه	۰/۰۰۱	۲/۸
مربع درآمد سرانه	(۸-۱۰) * ۱/۳۶ -	-۲/۱
نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی	۰/۱۶	-۴/۶
شاخص ساختار مالی	۳۱	۳/۷۵
مربع شاخص ساختار مالی	-۱۷	-۳/۲
نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی	-۰/۵۵	-۳
متوسط نرخ تورم	-۰/۹۴	-۳/۳
عکس نسبت میلز	۳	۱/۲۱
آزمون والد - کای دو	۴۵/۵	
Prob	۰/۰۰۰	

منبع: محاسبات تحقیق

ضریب متغیر مربوط به اندازه دولت یعنی نسبت مخارج عمومی دولت به تولید منفی و معنی دار است و نشان می‌دهد که نرخ مالیات بر سود سپرده در کشورهایی که اندازه دولت در آنها کوچک است، بیشتر می‌باشد. در این خصوص می‌توان گفت دولت‌های با اندازه بزرگ، معمولاً ابزارهای سیاستی مناسب را در اختیار دارند و کمتر تمایل دارند که از مالیات سود سپرده با زیان کارایی بالا به عنوان ابزار سیاستی

استفاده‌نمایند.

عکس نسبت میلز که به عنوان متغیر توضیحی در مرحله دوم روش هکمن معرفی شده، بر اساس نتایج جدول (۳) از سطح معنی‌داری پایین برخوردار بوده و نشان می‌دهد که خطای نمونه ناشی از حذف کشورهایایی که در آنها مالیات بر سود سپرده اعمال نمی‌شود، معنی‌دار نیست. اما به دلیل جلوگیری از مشکل ناهمسانی واریانس، در برآورد الگوی مرحله دوم از آن استفاده شده است. با عنایت به نتایج فوق تمایل به اعمال مالیات بر سود سپرده در کشورهایایی بالاست که از سطح مناسب توسعه یافتگی (درآمد سرانه بالا) و ثبات اقتصادی لازم برخوردار هستند. همچنین نرخ مالیات سود سپرده در کشورهایایی بالاست که نرخ تورم و نقدینگی در آنها پایین بوده و ساختار مالی آنها متمایل به بانک یا بازار نبوده و در حد و وسط طیف مذکور قرار دارد. علاوه بر این نتایج دلالت بر آن دارد در جوامعی که اندازه دولت در آنها بزرگ است، اعمال مالیات بر سود سپرده جزء اولویت سیاستهای مالیاتی نمی‌باشد.

۵- بررسی شرایط لازم برای اعمال مالیات بر سود سپرده در اقتصاد ایران

براساس یافته‌های بخش قبلی، در این قسمت سعی می‌شود با عنایت به شرایط و ویژگی اقتصاد ایران، احتمال برقراری مالیات بر سود سپرده و نرخ آن در ایران مورد بررسی قرار گیرد. در جدول (۴) میانگین متغیرهای مؤثر بر احتمال برقراری مالیات سود سپرده و نرخ آن در کشورهای مورد بررسی و ایران ارائه شده است. براساس اطلاعات جدول (۴) و نتایج الگوها در قسمت قبل، اقتصاد ایران در مقایسه با کشورهای مجری، برخی از شرایط لازم برای برقراری مالیات بر سود سپرده دارد که از آن جمله می‌توان به اندازه دولت و نقدینگی اشاره نمود، اما فاقد برخی شرایط لازم برای اعمال مالیات بر سود سپرده از جمله ثبات اقتصادی، درآمد سرانه و ساختار مالی است.

محاسبه احتمال برقراری مالیات سود سپرده برای ایران و سایر کشورها در جدول (۴) براساس نتایج برآوردهای قسمت قبل (الگوی پروبیت و رابطه ۴) و میانگین شاخص‌ها برای کشورها صورت گرفته است. براساس ارقام جدول (۴)، میانگین تمایل به برقراری مالیات بر سود سپرده در کشورهای مجری نزدیک به یک و برای سایر کشورها ۱۲ درصد و برای ایران ۴ درصد برآورد می‌شود که نشان می‌دهد با عنایت به ویژگی‌های بررسی شده، اقتصاد ایران تمایل و در واقع آمادگی لازم برای برقراری مالیات سود سپرده را ندارد. همچنین براساس نتایج الگوی رگرسیون خطی، نرخ مالیات بر سود سپرده در کشورهای مجری ۲۷ درصد بوده و برای سایر کشورها و ایران در صورت برقراری مالیات به ترتیب ۱۲/۶ و ۱۰/۵ درصد برآورد می‌شود که نسبت به کشورهای مجری مالیات بر سود سپرده رقم پایینی می‌باشد.

جدول (۴) - بررسی تمایل به برقراری مالیات بر سود سپرده و نرخ آن در اقتصاد ایران و سایر کشورها براساس ضرایب الگوها و میانگین متغیرها طی دوره (۲۰۱۴-۲۰۰۰)

نام متغیر	کشورهای اعمال کننده مالیات سود سپرده	کشورهای معاف از مالیات سود سپرده	ایران
درآمد سرانه (به قیمت ثابت ۲۰۱۰) در سال ۲۰۱۴	۲۱۶۸۴	۱۴۱۸۷	۵۹۴۹
شاخص فعال بودن بازار سرمایه به سیستم بانکی	۰/۶۱	۰/۳۱	۰/۳
انحراف معیار نرخ تورم	۳/۶	۳/۸	۷/۹
متوسط نرخ تورم به درصد	۵	۵	۱۵
نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی به درصد	۶۷	۸۸	۴۷
نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی به درصد	۲۶/۵	۳۲	۱۹
نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی به درصد	۱۷	۱۸	۷
احتمال برقراری مالیات براساس نتایج مدل پروبیت	٪۹۹	٪۱۰	٪۴
نرخ مالیات در صورت اعمال آن براساس رگرسیون خطی	٪۲۷	٪۱۲/۶	٪۱۰/۵

منبع: بانک جهانی

۶- جمع بندی

عملکرد بهتر سیاستهای اقتصادی وابسته به وجود شرایطی است که برای اجرای آنها لازم است. بر این اساس در این مطالعه شرایط لازم و مطلوب برای اعمال مالیات بر سود سپرده مورد بررسی قرار گرفت. تحلیل‌های نظری در این خصوص دلالت بر آن داشت که در اعمال مالیات بر سود سپرده، ثبات اقتصادی و ریسک محیط سرمایه‌گذاری، ساختار نظام مالی و مالیاتی، سطح توسعه و همچنین نظام مدیریت کشورها می‌توانند نقش تعیین کننده‌ای داشته باشند. بر این اساس الگویی برای بررسی

ویژگی‌های اقتصادی و شرایط لازم برای برقراری مالیات سود سپرده معرفی شد. در الگوی معرفی شده ساختار نظام مالی، ثبات اقتصادی، سطح توسعه یافتگی، اندازه دولت و حجم نقدینگی به ترتیب با شاخص‌های نسبت درجه فعالیت بازار سرمایه به بانک، انحراف معیار نرخ تورم، درآمد سرانه کشورها، نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی و نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی مورد سنجش قرار گرفتند.

نتایج حاصل از برآورد الگو بر اساس رویکرد دو مرحله‌ای حکمن نشان داد که احتمال برقراری مالیات بر سود سپرده در کشورهایی که دارای درآمد سرانه بالا، ثبات اقتصادی بیشتر و حجم نقدینگی پایین هستند، بیشتر است. همچنین بر اساس نتایج مرحله دوم روش حکمن میزان نرخ مالیات سود سپرده در کشورهای مجری این مالیات با شاخص ثبات اقتصادی رابطه مستقیم و با اندازه دولت و حجم نقدینگی رابطه معکوس دارد. علاوه بر این نتایج دلالت بر آن داشت که میزان نرخ مالیات بر سود سپرده رابطه U معکوس با درآمد سرانه و ساختار مالی دارد.

مقایسه تطبیقی شرایط لازم برای اعمال مالیات بر سود سپرده با ویژگی اقتصاد ایران نشان داد که اقتصاد ایران، فاقد برخی شرایط لازم برای اعمال مالیات بر سود سپرده در خصوص ثبات اقتصادی، سطح درآمد سرانه و ساختار مالی است. در واقع اقتصاد ایران از درآمد سرانه پایینی برخوردار بوده و از بی‌ثباتی اقتصادی رنج می‌برد. همچنین ساختار مالی در ایران، بانک محور می‌باشد.

در نهایت محاسبه احتمال برقراری مالیات سود سپرده برای ایران با عنایت به ضرایب برآورد شده برای الگوها حاکی از آن بود که تمایل به برقراری مالیات بر سود سپرده در ایران بسیار اندک و در حدود ۴ درصد می‌باشد این در حالی است که رقم مذکور برای کشورهای مجری مالیات نزدیک به یک است که نشان می‌داد اقتصاد ایران تمایل و به عبارتی آمادگی لازم برای برقراری مالیات سود سپرده را در شرایط فعلی ندارد.

فهرست منابع

۱. طیب نیا، علی و همکاران (۱۳۸۴). طرح پژوهشی: مقدمه ای بر اصلاح نظام مالیاتی بخش اول، سازمان امور مالیاتی کشور.
۲. فرزین معتمد، ارغوان و موسوی جهرمی، یگانه (۱۳۹۲). شناسایی عوامل مؤثر بر تقاضای سفر به مشهد مقدس (کاربرد رویکرد دو مرحله حکمن)، فصلنامه برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، سال دوم، شماره هفتم، ۴۴-۶۵.
3. Auerbach, A.J. (1981). Evaluating the Taxation of Risky Assets, Working Paper No. 806.
4. Ashish, Das (2013). Interest of Bank Depositors in Chaos, Department of Mathematics, Indian Institute of Technology, Mumbai.
5. Afonso, A. and Tovar Jalles, J. (2011). Economic Performance and Government Size, Working Paper Series, No 1399.
6. Boskin, M.J., (1978). Taxation, Saving and the Rate of Interest, Journal of Political Economy, vol. 86.
7. Caminal, R. (2002). Taxation of Banks: A Theoretical Framework, Digital.csic.es/bitstream/10261/1881/1/52502.pdf.
8. Feldstein, M.S. (1976). Personal Taxation and Portfolio Composition: An Econometric Analysis, *Econometrica*, 44, 631-650.
9. Feldstein, M.S. (1978). The Welfare Cost of Capital Income Taxation, *Journal of Political Economy*, vol.86.
10. Greene, W.H. (1993). *Econometric Analysis*. 2th ed. New York, Macmillan Press.
11. Heckman, J.J. (1979). Sample Selection Bias as a Specification, *Econometrica*, 47 (1), 153-161.
12. Levine, Ross (2002). "Bank- based or Market-based Financial Systems: which is better?" *Journal of Financial Intermediation*, 11 (4) 398-428.
13. King, M., (1980), Saving and Taxation, NBER Working paper, No.428, 1-66.

14. Komolo, J., (2015). Optimal Taxation of Banks in Financial Sector Regulation in Uzbekistan: Practical Approach, Research Journal of Finance and Accounting www.iiste.org, (Online), Vol.6, No.20.
15. Mossin, J., (1968). Taxation and Risk-Taking: An Expected Utility Approach, *Economica* 35, 74-82.
16. Summers, L.H., (1978). Tax Policy in a Life Cycle Model, Mimeo, National Bureau of Economic Research.
17. Sandmo, A., (1985). The Effects of Taxation on Savings and Risk Taking, and book of Public Economics, vol. I.
18. Sandmo, A., (1977). Portfolio Theory, Asset Demand and Taxation: Comparative Statics with many Assets, *Review of Economic Studies* 44, 369-379.
19. Stiglitz, J.E., (1969). The Effects of Income, Wealth and Capital Gains Taxation on Risk-Taking, *Quarterly Journal of Economics* 83, 262-283.
20. Shankar N., (2012). Complete Guide to TDS on Fixed Deposits in India, www.moneycontrol.com.
21. Stamm.R., (2014). Worldwide tax summaries Corporate taxes, [https:// www.p.w.c.com/taxsummer](https://www.p.w.c.com/taxsummer)
22. Twarowska, M. and Szolno-Koguc, J. (2014). The Impact of Financial Sector Taxation on Financial Market Stability, Management, Knowledge, Learning, international Conference.
23. Divya S., (2014), Deposit Interest Retention Tax, [https:// www.Rupeetalk.com](https://www.Rupeetalk.com).
24. [https:// www.p.w.c.com/taxsummer](https://www.p.w.c.com/taxsummer).
25. [https:// www.worldbank.org](https://www.worldbank.org).
26. [https:// www.icicibank.com](https://www.icicibank.com).
27. [https:// www.Irs.gov](https://www.Irs.gov).
28. [https:// www.Worldwide Tax .com](https://www.Worldwide Tax .com).